

حذیث

بریل ملانگ

### بایک توبه‌ساده

◄ **ابوالقاسم‌حسینجانجانی**

بازگشت‌پذیری

زیباترین شجاعت دنیاست.

«تجدیدنظرطلبی» همیشه هم بد نیست.

باید به راه آمد، باید به خود آمد.

گاهی با یک توبه ساده – متصل به یک بوته ساده – هم می‌شود به خود آمد، و به «راه» آمد و «ریشه» رویید؛ و بازگشت و پیچید: صاف به سمت چشمان خدای مهربانی‌ها! توبه، به همین سادگی ست. اصلاً هم پیچیده نیست. روزه، تنها «لب بستن» نیست؛ «دل بستن» هم است.

با خدای خودتان راحت باشید، زیباتر از سادگی، چیزی نیست

ماه رمضان، ماه آزاد شدن است. هر روز که می‌گذرد، یک بند

از بندهایی که با دست خود تنیده‌ایم، باید بگسلد تا آزاد شویم که

بهترین راه برای آزاد شدن بی بردن به حکمت‌های عبادات است.

خرمی و شادابی غیر مبارک‌ها را از دست بدهید زیرا آنها نشاط کاذب و زودگذر است. وقتی انسان روزه گرفت و به آن دل بست، کم کم به باطن روزه بی می برد. باطن روزه انسان را به لقای حق می‌کشاند که خدای سبحان فرمود: «الضوم لی وأنا اجزی به» روزه مال من است و من شخصاً به آن جزا می‌دهم. این تعبیر فقط درباره روزه وارد شده است.

همه اشیا و موجودات جهان امکان از آن خداست. چیزی در جهان خلقت نیست که مال خدا نباشد، چون مخلوق و مملوک و مملوگ است. چشم و گوش ما هم از آن خداست: «امّ من یملک السمع والابصار»، امیرالمؤمنین علی (ع) فرمود: «... مواظب باشید، بدانید در خلوت و جلوت، نهان و آشکار، در محضر خدای سبحان هستید. خلوات شما جلوات عیون و مشهد و مرآی اوست...» چیزی در جهان نیست که به یاد حق و خدای سبحان نباشد. این انسان است که گاهی غافل است و گاهی غیرغافل. فرشته‌ها نفس‌ها را را می‌شانرند که برای چه انسان نفس می‌کشد. وقتی به فرموده قرآن سرتاسر جهان، ملک و مُلک خداست، همه اعضا و جوارح ما سپاه حق است: «ولله جنود السموات والارض».

این که فرمود: روزه مال من است، خصوصیتی را می‌رساند که قابل ملاحظه ودقت است. گاهی انسان از سحر تا افطار امساک می‌کند؛ این یک درجه روزه‌داری است، تلاشی است که حداکثر در قیامت نسوزد یا وارد بهشت بشود؛ بهشتی که «جَنّاتِ تجری من تحتها الأنهار» اما به آن بهشت که «فأدخِلنی فی عبادی وأدخِلنی جَنّتی» راهش نمی‌دهند. یعنی روزه، ضمن اینکه حکم و ادبی خاص دارد، حکمتی هم دارد که آن لقا و محبت خداست.

این حدیث در انسان شوق ایجاد می‌کند تا عاشق شود. انسان تا مشتاق نباشد، تلاش نمی‌کند و تا تلاش نکند، نمی‌رسد. وقتی روزه مال خدا بود، خدا هم شخصاً جزای روزه دار را برعهده گرفته است.

مرحوم محمد تقی مجلسی (قدس سرّه) که گذشته از مقام شامخ فقاहत در بسیاری از معارف اسلامی و علوم عقلی نیز اهل نظر بوده است، می‌گوید: خدای سبحان به این معنا اکتفا نکرد که بفرماید: «الضوم لی». فرمود: «أنا اجزی به». ضمیر متکلم وحده را قبل از فعل ذکر کرده و با ذکر کلمه «أنا» خودش را مطرح می‌کند که: روزه مال من است و من هستم که جزای روزه‌دار را می‌دهم.

■ **چگونگی پاداش**

به کسانی چون اولیای الهی که روزه‌های مستحبی می‌گیرند و سببه‌همه افطار خود را به یتیم و اسیر و مسکین می‌دهند، در عین حال که «جَنّاتِ تجری من تحتها الأنهار» را در اختیار آنهاست، می‌فرماید: «فأدخِلنی فی عبادی وأدخِلنی جَنّتی» زیرا برای مطلب بالاتری، روزه می‌گیرند. اما آنها که برای ورود به بهشت و برای استفاده از میوه‌های دلپذیر آن روزه می‌گیرند تنها نوعی سوداگری دارند.

از موارد فرق بین روزه و سایر عبادات همین است که درباره اعمال دیگر، ملائکه الهی هنگام مرگ به استقبال مؤمنین می‌آیند که: «سلام علیکم طَیِّمَ فادِخلوها خالدين» درهای بهشت را باز می‌کنند و می‌گویند از هر دری که خواستید بفرمایید. اما درباره روزه دار خدای سبحان فرمود: من خودم جزا می‌دهم. این جزو احکام و آداب روزه نیست؛ لذا نه در سلسله بحث‌های واجب و مستحب که فقه عهده دار آن است آمده و نه در بحث‌های آداب روزه، بلکه جزو حکمت‌های عبادت است که چگونه انسان به جایی می‌رسد که خداوند متعال

یقیناً ث معنوی

یادکردی از مسجد قندی تهران

## مسجدی با سابقه ۱۱۹ ساله

مسجد قندی در سال ۱۳۲۴ هجری قمری یعنی حدود ۱۱۹ سال پیش در میدان شاهپور خیابان مهدیخانی ساخته شده است. این مسجد دو و مسجد دیگر هم که «قندی» نام دارند، توسط مرحوم سیدهاشم قندی معروف به تاجر کاشانی ساخته شده‌اند. ایشان که از مشروطه‌خواهان بنام بوده در جریانات مشروطه (قیام فعلی) معروف به مسجد خندق آبادی است! در میدان شاهپور در انظار مردم شلاق خورده است!

می‌گویند وقتی که مرحوم قندی مباردت به ساخت مسجد قندی شاهپور کرد، دستور داده بود با توجه به دوری مرکز و معادن گچ و آهک و کوره‌های آجرپزی و خشک‌زنی تا محل مسجد، در بین راه حضرت عبدالعظیم یعنی محل معادن و کوره‌های آجرپزی، تا میدان شاهپور را «آغل» بسازند و در همه آن آغل‌ها علوفه وپونجه فراهم کنند تا قاطرها و الاغ‌هایی که برای ساخت مسجد مصالح می‌آوردن بر اثر گرسنگی و سستی «شلاق» نخورند. همچنین هر روز کارگرهایی که برای ساخت مسجد حاضر می‌شدند بعد از اقامه نماز صبح، اول زیارت عاشورا خوانده سپس به کار مشغول می‌شدند.همینطور جناب سیدهاشم قندی گفته بود کاسه‌ای مسی را پر از سکه پول کنند و در معرض دید کارگران مسجد بگذارند تا اگر بعضی از آنان «ناباک» بوده باشند و برای

پیامبر (ص) فرمود: کسی که نماز را از وقتش تأخیر بیندازد، (فردای قیامت) به شفاعت من نخواهد رسید.

سادگی، امر به معروف و نهی از منکر در بعضی جوامع صورت نمی‌گیرد، ظهور و غلبه فساد در آن

جوامع است. در واقع اگر گروه اندکی در جامعه خلافکار باشند، می‌توان امید داشت که آمران به معروف و

ناهیان از منکر در کار خود موفق باشند و جامعه را به صلاح آورند، اما اگر اکثر جامعه یا تمامی آحاد آن، خود

از تارکان معروف و عاملان به منکر باشند، هیچ امیدی به صلاح و رستگاری آن جامعه وجود نخواهد داشت.

حضرت علی علیه السلام مردم چنین جامعه‌ای را مورد خطاب قرار داده و می‌فرماید شما به علت آنکه خود آتشه به گناه و خلاف هستید نمی‌توانید گناه و خطای دیگران را یاد آور شوید، زیرا می‌هراسید اگر چنین کنید همان خلافکارها مقابل شما بایستند و شما را رسوا کنند

در نهج البلاغه خطبه ۱۱۳ آمده است:
: ما یَمْنَعُ أَحَدَکُمْ أَنْ یَسْتَقْبِلَ أَخَاهُ بِمَا یَخَافُ مِنْ غَیْبِهِ إِلَّا مَخَافَةَ أَنْ یَسْتَقْبِلَهُ بِمِثْلِهِ.

یعنی: آنچه مانع هر یک از شما می‌شود که عیب برادرش را پیش روی او بگویید، این است که می‌ترسد او نیز عیبش را رو به رویش بگوید.

آری زیان اختلاسگران و سارقان، احرص و الکن است از آنکه در مقابل همتایان خود بایستند و آنان را از اعمال خلاف باز دارند. در تعالیم عیسی علیه السلام هم آمده است که گروهی در هیاهوی بسیار، زنی را به جرم زنا نزد حضرت عیسی آوردند تا او دستور رحم و سنجسارکردن آن زن را صادر کند. عیسی علیه السلام فرمود:

اولین سنگ را کسی بزند که گناه نکرده باشد، آن جمع به یکدیگر نگریسته و هر کدام آهسته از گوشه‌ای به در رفتند و میدان را خالی کردند. (انجیل یوحنا فصل هشتم). آری، رطب خورده منع رطب کی کند.

سادگی، امر به معروف و نهی از منکر در بعضی جوامع صورت نمی‌گیرد، ظهور و غلبه فساد در آن

جوامع است. در واقع اگر گروه اندکی در جامعه خلافکار باشند، می‌توان امید داشت که آمران به معروف و

ناهیان از منکر در کار خود موفق باشند و جامعه را به صلاح آورند، اما اگر اکثر جامعه یا تمامی آحاد آن، خود

از تارکان معروف و عاملان به منکر باشند، هیچ امیدی به صلاح و رستگاری آن جامعه وجود نخواهد داشت.

حضرت علی علیه السلام مردم چنین جامعه‌ای را مورد خطاب قرار داده و می‌فرماید شما به علت آنکه

خود آتشه به گناه و خلاف هستید نمی‌توانید گناه و خطای دیگران را یاد آور شوید، زیرا می‌هراسید اگر چنین

کنید همان خلافکارها مقابل شما بایستند و شما را رسوا کنند

در نهج البلاغه خطبه ۱۱۳ آمده است:

: ما یَمْنَعُ أَحَدَکُمْ أَنْ یَسْتَقْبِلَ أَخَاهُ بِمَا یَخَافُ مِنْ غَیْبِهِ إِلَّا مَخَافَةَ أَنْ یَسْتَقْبِلَهُ بِمِثْلِهِ.

یعنی: آنچه مانع هر یک از شما می‌شود که عیب برادرش را پیش روی او بگویید، این است که می‌ترسد او نیز

عیبش را رو به رویش بگوید.

آری زیان اختلاسگران و سارقان، احرص و الکن است از آنکه در مقابل همتایان خود بایستند و آنان را از اعمال

خلاف باز دارند. در تعالیم عیسی علیه السلام هم آمده است که گروهی در هیاهوی بسیار، زنی را به جرم زنا

نزد حضرت عیسی آوردند تا او دستور رحم و سنجسارکردن آن زن را صادر کند. عیسی علیه السلام فرمود:

اولین سنگ را کسی بزند که گناه نکرده باشد، آن جمع به یکدیگر نگریسته و هر کدام آهسته از گوشه‌ای به در

رفتند و میدان را خالی کردند. (انجیل یوحنا فصل هشتم). آری، رطب خورده منع رطب کی کند.



مستقیماً جزای او را به عهده می‌گیرد. ابن اثیر می‌گوید: یکی از نکاتی که خدای سبحان بر اساس حدیث قدسی «الضوم لی وأنا اجزی به» فرموده این است که در هیچ ملتی از ملل شرک و بت‌پرستی، برای بت‌ها روزه نمی‌گرفتند. اگر چه برای بت‌ها نماز می‌خواندند، قربانی می‌کردند و مراسم دیگر داشتند. روزه تنها برای خداست و هیچ مشرک و بت پرستی، برای تقرب به بت روزه نگرفته چون روزه یک فرمان الهی است. سایر عبادات، مورد شرک قرار گرفته و برای غیر خدا هم انجام می‌دادند. اما خدای متعال روزه را به خود اسناد داده و شخصاً جزای روزه‌دار را به عهده گرفته است.

■ **درجات تقوا ولقای حق**

روزه برای این است که انسان به تقوا برسد: «العَلَمَکَ تقون» و انسان باتقوا دو درجه دارد: یکی همان بهشتی که در آن نعمت‌های فراوان موجود است: «ان المتقین فی جَنّاتٍ ونهر» و این برای لذایذ ظاهری است. یکی هم مقام عبداللهی شدن است «فی مقعد صدق عند ملیک مقتدر» در این مرحله دیگر سخن از سیب و گلابی نیست چون جنت و نهر، مآکولات و مشروبات از آن جسم و بدن اوست، اما لقای حق برای روح اوست. این سز و باطن روزه است.

امام صادق (ع) فرمود: «روزه‌دار دو وقت خوشحال است؛

یکی هنگام افطار و دیگری هنگام ملاقات با پروردگار» و در جای

دیگر می‌فرماید: «روزه‌دار در بعضی ده‌ها از خداوند، جمال تام

می‌خواهد.»

نظامی گنجوی شاعر معروف در تبیین عشق مجازی و حقیقی، می‌گوید: در پایان امر که لیلی مریض شد به مادرش وصیت کرده و گفت: مادر پیام مرا به مجنون برسان و به او بگو: اگر خواستی به کسی علاقه‌مند شوی، به موجودی که با یک بت از بین می‌رود، دل نبند. حیف است که انسان به خودش و به غیر خدا و به هر آنچه که متغیر است، دل ببندد زیرا هر چه غیر خداست، در معرض زوال و تغییر است و نمی‌تواند جزای انسان باشد.

به ما گفته‌اند، جمال مطلق را در سحرهای ماه مبارک رمضان، بخواهید و به گوش دادن بسنده نکنید، زیرا گوش دادن غیر از خواستن است. چه مقام بلندی برای انسان میسور بود که به ما گفته‌اند، بگویید: «اللهم اِنّی اسألك من نورک بأنورهِ وکلّ نورک نیر»! این ادعیه را در ماه مبارک رمضان به ما آموختند برای اینکه انسان روزه‌دار، لایق چنین سخن گفتن است و این دهن می‌تواند بگوید: «اللهم اِنّی اسألك من جلالک بأجلهٔ وکلّ جلالک جلیل.»

سخن از حور و غلمان، سیب و گلابی و جنات و نهر نیست؛ بلکه سخن از کمالات معنوی است و این مقام برای انسان وجود دارد، اگر این مقامات برای ما نبود، دستور خواندن این دعاها را نمی‌دادند. پس می‌شود به آن مقام رسید؛ چون می‌توان روزه مستحبی گرفت و افطاری خود را به یک غیر مسلمان اسیر داد.

■ یکشنبه ۱۴ فروردین ۱۴۰۱

■ سال بیست و هشتم

■ شماره ۷۸۷۶

سادگی، امر به معروف و نهی از منکر در بعضی جوامع صورت نمی‌گیرد، ظهور و غلبه فساد در آن

جوامع است. در واقع اگر گروه اندکی در جامعه خلافکار باشند، می‌توان امید داشت که آمران به معروف و

ناهیان از منکر در کار خود موفق باشند و جامعه را به صلاح آورند، اما اگر اکثر جامعه یا تمامی آحاد آن، خود

از تارکان معروف و عاملان به منکر باشند، هیچ امیدی به صلاح و رستگاری آن جامعه وجود نخواهد داشت.

حضرت علی علیه السلام مردم چنین جامعه‌ای را مورد خطاب قرار داده و می‌فرماید شما به علت آنکه

خود آتشه به گناه و خلاف هستید نمی‌توانید گناه و خطای دیگران را یاد آور شوید، زیرا می‌هراسید اگر چنین

کنید همان خلافکارها مقابل شما بایستند و شما را رسوا کنند

در نهج البلاغه خطبه ۱۱۳ آمده است:

: ما یَمْنَعُ أَحَدَکُمْ أَنْ یَسْتَقْبِلَ أَخَاهُ بِمَا یَخَافُ مِنْ غَیْبِهِ إِلَّا مَخَافَةَ أَنْ یَسْتَقْبِلَهُ بِمِثْلِهِ.

یعنی: آنچه مانع هر یک از شما می‌شود که عیب برادرش را پیش روی او بگویید، این است که می‌ترسد او نیز

عیبش را رو به رویش بگوید.

آری زیان اختلاسگران و سارقان، احرص و الکن است از آنکه در مقابل همتایان خود بایستند و آنان را از اعمال

خلاف باز دارند. در تعالیم عیسی علیه السلام هم آمده است که گروهی در هیاهوی بسیار، زنی را به جرم زنا

نزد حضرت عیسی آوردند تا او دستور رحم و سنجسارکردن آن زن را صادر کند. عیسی علیه السلام فرمود:

اولین سنگ را کسی بزند که گناه نکرده باشد، آن جمع به یکدیگر نگریسته و هر کدام آهسته از گوشه‌ای به در

رفتند و میدان را خالی کردند. (انجیل یوحنا فصل هشتم). آری، رطب خورده منع رطب کی کند.

سادگی، امر به معروف و نهی از منکر در بعضی جوامع صورت نمی‌گیرد، ظهور و غلبه فساد در آن

جوامع است. در واقع اگر گروه اندکی در جامعه خلافکار باشند، می‌توان امید داشت که آمران به معروف و

ناهیان از منکر در کار خود موفق باشند و جامعه را به صلاح آورند، اما اگر اکثر جامعه یا تمامی آحاد آن، خود

از تارکان معروف و عاملان به منکر باشند، هیچ امیدی به صلاح و رستگاری آن جامعه وجود نخواهد داشت.

حضرت علی علیه السلام مردم چنین جامعه‌ای را مورد خطاب قرار داده و می‌فرماید شما به علت آنکه

خود آتشه به گناه و خلاف هستید نمی‌توانید گناه و خطای دیگران را یاد آور شوید، زیرا می‌هراسید اگر چنین

کنید همان خلافکارها مقابل شما بایستند و شما را رسوا کنند

در نهج البلاغه خطبه ۱۱۳ آمده است:

: ما یَمْنَعُ أَحَدَکُمْ أَنْ یَسْتَقْبِلَ أَخَاهُ بِمَا یَخَافُ مِنْ غَیْبِهِ إِلَّا مَخَافَةَ أَنْ یَسْتَقْبِلَهُ بِمِثْلِهِ.

یعنی: آنچه مانع هر یک از شما می‌شود که عیب برادرش را پیش روی او بگویید، این است که می‌ترسد او نیز

عیبش را رو به رویش بگوید.

آری زیان اختلاسگران و سارقان، احرص و الکن است از آنکه در مقابل همتایان خود بایستند و آنان را از اعمال

خلاف باز دارند. در تعالیم عیسی علیه السلام هم آمده است که گروهی در هیاهوی بسیار، زنی را به جرم زنا

نزد حضرت عیسی آوردند تا او دستور رحم و سنجسارکردن آن زن را صادر کند. عیسی علیه السلام فرمود:

اولین سنگ را کسی بزند که گناه نکرده باشد، آن جمع به یکدیگر نگریسته و هر کدام آهسته از گوشه‌ای به در

رفتند و میدان را خالی کردند. (انجیل یوحنا فصل هشتم). آری، رطب خورده منع رطب کی کند.

■ **ارزش انسان**

روایت لطیفی را مرحوم کلینی از امام هفتم (ع) نقل فرموده، که

مرحوم محقق داماد، در شرح آن بیان شیرینی دارد.

حدیث این است که حضرت فرمود: «بدن شما به اندازه بهشت می‌ارزد؛ آن را به غیر بهشت نفروشید که ضرر خواهید کرد.»

مرحوم محقق داماد می‌فرماید: این روایت ناظر به آن است که روح‌تان فوق بهشت است. روح را باید به «جَنّةِ اللّقاء» بدهید. روح‌تان بایستی به «عند ملیک مقتدر» برسد و بهترین راه برای عبداللهی شدن روزه گرفتن است.

باطن روزه به‌صورت لقای خدا ظهور می‌کند و برای انسان، همتی بالاتر از لقای حق فرض ندارد چون انسان موجودی ابدی است که هرگز از بین نمی‌رود، بلکه در نهایت از عالمی به عالم دیگر منتقل می‌شود. اگر باطن روزه نصیب او شد، بیوسسته در محضر حق است؛ بدون اینکه از حضور دائمی رنج ببرد. یکنواختی در بهشت رنج آور نیست، اصلاً در آنجا رنجی وجود ندارد؛ خواه بهشت ظاهری که «جَنّاتِ تجری من تحتها الأنهار» باشد یا بهشت معنوی. انسان بدون اینکه رنج و خستگی و تشنگی و گرسنگی را بچشد، لذت سیری را احساس می‌کند؛ وضیعت بهشت مانند دنیا نیست.

■ **نقش روزه در حل مشکلات**

از آنجا که در مسیر زندگی دشواری و مشکلات وجود دارد، دستور داده‌اند در شادید و مشکلات روزه بگیرید.

یعنی اگر ما در هر نمازی چند بار از خدای سبحان استعانت می‌کنیم و می‌گوییم «ایاک نعبد و ایاک نستعین» راه کمک‌رسانی را هم خدا بیان فرموده است. ولی این چنین نیست که بگویید: کمک کن! و ما رایگان کمک برسانیم. اگر سخن از «ایاک نستعین» است، راهش را هم قرآن به ما آموخته که: «واستعینوا بالصبر والصلوة» این صبر به «صوم» تفسیر و تطبیق شده و در حدیث آمده است که: «هرگاه برای کسی مشکل یا حادثه خاصی پیش آمد باید برای دفع یا رفع آن روزه بگیرد. نه تنها در جنگ، بلکه اگر مشکلات دیگری هم برای انسان پیش آید، باید برای حل آن مشکل، روزه گرفت.»

این روزه چه نقشی دارد که مشکل را حل می‌کند؟ انسان را به کجا می‌رساند که بر مشکل پیروز می‌شود؟ تازه این امساک ظاهری است؛ اما روزه، حکمت‌هایی دارد که روح را به مقام بالا می‌رساند و روح بلند بر طبیعت فایق است.

اگر کسی برای خدا روزه گرفت چون کارها به دست اوست مشکل را حل می‌کند که فرموده‌اند: «یا مُسْهَلُ الا امور الضعاب.» قرآن هم فرمود: «وَأَمَّا مَنْ أَعْطَى وَاتَّقَى، وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَى، فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْيُسْرَى» ما کارها را برای افرادی که در مسیر مستقیم‌اند، راحت می‌کنیم. آنگاه نمونه‌هایش را هم به‌عنوان انبیاای عظام برای ما بیان فرمود.

وقتی موسی کلیم‌الله از خدای سبحان درخواست می‌کند: «ویسر لی امری» از پاسخ می‌فرماید: «قال قد أوتیت سؤلَک یا موسی» تو برای براندازی طاغوت فرعون از ما آسان کردن امور را طلب کردی، ما هم آن را به تو دادیم. آنچه را که از ما خواستی به تو دادیم؛ شرح صدر، روان بودن بیان، شرکت در رسالت و وزیر بودن برادرت را و نیز خواستی که او را از وحی خاص برخوردار کنیم که همه را عطا کردیم.

درباره رسول خدا(ص) هم فرمود: «ألمّ تُشرّح لک صدْرک، ووضَعنا عنک وِزْرک، الذی انْقَضَ ظَهْرک، ورفَعنا لک ذِکرک» آیا به تو شرح صدر ندادیم و بار گران را که بر پشت تو سنگینی می‌کرد برداشتیم و نام تو را بلندآوازه نکردیم؟

این راه‌ها را قرآن در اختیار ما گذاشته است؛ زیرا باطن روزه به قدری نیرومند است که انسان را بر جهان طبیعت. به آن خدا. پیروز می‌کند.

سادگی، امر به معروف و نهی از منکر در بعضی جوامع صورت نمی‌گیرد، ظهور و غلبه فساد در آن

جوامع است. در واقع اگر گروه اندکی در جامعه خلافکار باشند، می‌توان امید داشت که آمران به معروف و

ناهیان از منکر در کار خود موفق باشند و جامعه را به صلاح آورند، اما اگر اکثر جامعه یا تمامی آحاد آن، خود

از تارکان معروف و عاملان به منکر باشند، هیچ امیدی به صلاح و رستگاری آن جامعه وجود نخواهد داشت.

حضرت علی علیه السلام مردم چنین جامعه‌ای را مورد خطاب قرار داده و می‌فرماید شما به علت آنکه

خود آتشه به گناه و خلاف هستید نمی‌توانید گناه و خطای دیگران را یاد آور شوید، زیرا می‌هراسید اگر چنین

کنید همان خلافکارها مقابل شما بایستند و شما را رسوا کنند

در نهج البلاغه خطبه ۱۱۳ آمده است:

: ما یَمْنَعُ أَحَدَکُمْ أَنْ یَسْتَقْبِلَ أَخَاهُ بِمَا یَخَافُ مِنْ غَیْبِهِ إِلَّا مَخَافَةَ أَنْ یَسْتَقْبِلَهُ بِمِثْلِهِ.

یعنی: آنچه مانع هر یک از شما می‌شود که عیب برادرش را پیش روی او بگویید، این است که می‌ترسد او نیز

عیبش را رو به رویش بگوید.

آری زیان اختلاسگران و سارقان، احرص و الکن است از آنکه در مقابل همتایان خود بایستند و آنان را از اعمال

خلاف باز دارند. در تعالیم عیسی علیه السلام هم آمده است که گروهی در هیاهوی بسیار، زنی را به جرم زنا

نزد حضرت عیسی آوردند تا او دستور رحم و سنجسارکردن آن زن را صادر کند. عیسی علیه السلام فرمود:

اولین سنگ را کسی بزند که گناه نکرده باشد، آن جمع به یکدیگر نگریسته و هر کدام آهسته از گوشه‌ای به در

رفتند و میدان را خالی کردند. (انجیل یوحنا فصل هشتم). آری، رطب خورده منع رطب کی کند.

سادگی، امر به معروف و نهی از منکر در بعضی جوامع صورت نمی‌گیرد، ظهور و غلبه فساد در آن

جوامع است. در واقع اگر گروه اندکی در جامعه خلافکار باشند، می‌توان امید داشت که آمران به معروف و

ناهیان از منکر در کار خود موفق باشند و جامعه را به صلاح آورند، اما اگر اکثر جامعه یا تمامی آحاد آن، خود

از تارکان معروف و عاملان به منکر باشند، هیچ امیدی به صلاح و رستگاری آن جامعه وجود نخواهد داشت.

حضرت علی علیه السلام مردم چنین جامعه‌ای را مورد خطاب قرار داده و می‌فرماید شما به علت آنکه

خود آتشه به گناه و خلاف هستید نمی‌توانید گناه و خطای دیگران را یاد آور شوید، زیرا می‌هراسید اگر چنین

کنید همان خلافکارها مقابل شما بایستند و شما را رسوا کنند

در نهج البلاغه خطبه ۱۱۳ آمده است:

: ما یَمْنَعُ أَحَدَکُمْ أَنْ یَسْتَقْبِلَ أَخَاهُ بِمَا یَخَافُ مِنْ غَیْبِهِ إِلَّا مَخَافَةَ أَنْ یَسْتَقْبِلَهُ بِمِثْلِهِ.

یعنی: آنچه مانع هر یک از شما می‌شود که عیب برادرش را پیش روی او بگویید، این است که می‌ترسد او نیز

عیبش را رو به رویش بگوید.

آری زیان اختلاسگران و سارقان، احرص و الکن است از آنکه در مقابل همتایان خود بایستند و آنان را از اعمال

خلاف باز دارند. در تعالیم عیسی علیه السلام هم آمده است که گروهی در هیاهوی بسیار، زنی را به جرم زنا

نزد حضرت عیسی آوردند تا او دستور رحم و سنجسارکردن آن زن را صادر کند. عیسی علیه السلام فرمود:

اولین سنگ را کسی بزند که گناه نکرده باشد، آن جمع به یکدیگر نگریسته و هر کدام آهسته از گوشه‌ای به در

رفتند و میدان را خالی کردند. (انجیل یوحنا فصل هشتم). آری، رطب خورده منع رطب کی کند.

■ یکشنبه ۱۴ فروردین ۱۴۰۱

■ سال بیست و هشتم

■ شماره ۷۸۷۶

سادگی، امر به معروف و نهی از منکر در بعضی جوامع صورت نمی‌گیرد، ظهور و غلبه فساد در آن

جوامع است. در واقع اگر گروه اندکی در جامعه خلافکار باشند، می‌توان امید داشت که آمران به معروف و

ناهیان از منکر در کار خود موفق باشند و جامعه را به صلاح آورند، اما اگر اکثر جامعه یا تمامی آحاد آن، خود

از تارکان معروف و عاملان به منکر باشند، هیچ امیدی به صلاح و رستگاری آن جامعه وجود نخواهد داشت.

حضرت علی علیه السلام مردم چنین جامعه‌ای را مورد خطاب قرار داده و می‌فرماید شما به علت آنکه

خود آتشه به گناه و خلاف هستید نمی‌توانید گناه و خطای دیگران را یاد آور شوید، زیرا می‌هراسید اگر چنین

کنید همان خلافکارها مقابل شما بایستند و شما را رسوا کنند

در نهج البلاغه خطبه ۱۱۳ آمده است:

: ما یَمْنَعُ أَحَدَکُمْ أَنْ یَسْتَقْبِلَ أَخَاهُ بِمَا یَخَافُ مِنْ غَیْبِهِ إِلَّا مَخَافَةَ أَنْ یَسْتَقْبِلَهُ بِمِثْلِهِ.

یعنی: آنچه مانع هر یک از شما می‌شود که عیب برادرش را پیش روی او بگویید، این است که می‌ترسد او نیز

عیبش را رو به رویش بگوید.